

ایوان مداین

مشهورترین بنایی که پادشاهان ساسانی ساخته اند قصری است که ایرانیان آن را ایوان مداین یا تاق کسری می نامند.

هنوز ویرانه ی آن در محله اسپانبر در مداین موجب حیرت سیاحان است.

ساختمان این بنا را بخسرو اول نسبت می دهند. مجموع خرابه های این کاخ و متعلقات آن مساحتی بعرض و طول ۳۰۰×۴۰۰

متر را پوشانیده است. در این مساحت آثار چند بنا دیده می شود. علاوه بر طاق کسری عمارتی است که در فاصله ۱۰۰ متر در

مشرق تاق و تلی که به معروف به حریم کسری است قرار دارد.

طاق کسری تنها قسمتی است از محل عمارت که اثر قابل توجهی از آن بقی مانده است.

تا سال ۱۸۸۸ میلادی نما و تالار بزرگ مرکزی بر پا بود اما در آن سال جناح شمالی خراب شد. و اکنون جناح جنوبی نیز در

شرف انهدام است.

در وسط این جلوخان دهانه ی تاق بزرگ بیضی شکل نمایان است که عمق آن تا آخر بنا پیش رفته است.

طاق کسری مقر معمولی شاهنشاه بود. حیرت و اعجاب بینندگان بیشتر به علت عظمت و شکوه و ضخامت اضلاع آن است که

در هیچ اثر تاریخی دیگری یافت نمی شود.

مسلمانان پس از فتح تیسفون ایوان مداین (تاق کسری) را برای مسجد اختیار کردند و گویند امام علی (ع) در همین ایوان نماز

به جا آورده اند.

ساسانیان ۷ شهر مهم خود را مداین می نامیدند. که ۵ شهر از آنها شناخته شده است:

۱- تیسفون

۲- وه اردشیر

۳- رومگان

۴- در زنی دآن

۵- ولاش آباد که تاق کسری (ایوان مداین) در محله اسپانبر این

شهر قرار دارد. که مهمترین شهر آنها شهر تیسفون بوده است.

شرح پایه گذاری کاخ عدالت، ایوان مداین ،

به هنگام ساختن، انوشیروان***همان کاخ و ایوانگوهرنشان

مهندس و معمار برا نداز کرد***چهار گوشه، شش سو هم انداز کرد

به سویی کنارش بُدی پیرزن***به آنخانه می زیست بارنج تن

به کلبه کنارش قناص آمدی***همی کار ناساز و آس آمدی

بگفتند توضیح داستان را***زوضع زمین وشبستان را

بگفتا رضایت به تخریب داد***اگر میل ورغبت و ترغیب داد

چومامور عمران بشدسوی او***کند شرح احوال اوجستجو

بگفتا زنوشیروان قاصدم***به کسب رضایت همی آدمم

رضایت به تخریب کلبه دهی؟***بگیری عوض کاخ بسیاربهی؟

بگفتا جوانی دراین کلبه ام***همی زیسته بنشسته و خفته ام

به پیری کنم من به این کُلبه سر***که باقی عمرم شود طی، گذر

درودم رسان شاه را از ادب***که عدلش بود از نژاد و نسب

بگفتا شه عادل و دادگر***که درعهد من مبادا رنجبر

همی ساختمان را قناص آورد***به اجرای عدلم سپاس آورد

ویزدان پاک رانیایش کنید***بپاس عدالت ستایش کنید

تو ای نسل آزادی و انقلاب***جهانگرد دنیا به یک نان و آب

همی سوی تیسفون وایوان روید***سر اندر مداین به کیوان برید

ببینید ایوان و آن کاخ را***کجی وقناصی و عیب آخ را

درایران به شهرت بود این حدیث***زقول محمد(ص) رسول نفیس

((پیامبر منم آن محمّد امین***رسولم به ارشاد مردم زمین

مرا بس بود افتخار از جهان***بزادم به عهد انوشیروان))

بفرمود پیغمبر را ستگوی*** درودم برآو باد هم آل اوی
هنر گر به پروین و مریخ بُدی*** زایرانیان طول تاریخ بُدی
بیا طاق کسری، به ایوان رویم*** سر اندر مداین به کیوان بریم!
انو شیروان خسرو نا مدار*** روان جاودان دادگر تاجدار
به رادی و دادش جهان گیر شد*** به عهدش ستم، زور، زمین گیر شد
بُند مردمان شادو خرم بسی*** نداشتند بد کاری و ناکسی
همی بد فزونی به کشتزارشان*** که نیکی و پاکی بُدی کارشان
بُند مردمان مهربان با همه*** که دارا بُند مال و ثروت رمه
چه بیکار و بی پیشه هیچکس نبود*** که غارتگر و دزد ناکس نبود
بُند شاد و خندان زخردو کلان*** که بُد زندگی ساده امن و امان
بداشتند دارائی و خواسته*** بند مردمان شاد و آراسته
انوشیروان داشت کاخی بزرگ*** عدا لت بپاکرد مرد سترگ
به نزدیک قصرش یکی باغ بود*** دل اهرمن زآن شکوه داغ بود
به باغ اندرش بود یکی دادگاه*** ستمدیده دادخواست شام و پگاه
که بغداد ازآن باغ داد، نام گرفت*** به ثروت همی شهرتی تام گرفت
همی باغ دادگاه بُدی جلوه ای*** ز آثار دادگر شه خسروی
به آن دادگاه حق به اجرا بُدی*** خرد داد و انصاف کارا بُدی
به راستی درستی بُدی کارها*** ز آغاز به پایان رسید بارها